

سیاست جنایی تقنینی ایران و مساعی جهانی

برای تحدید مجازات سالب آزادی

نریمان تیرگر فاخری

تحدید قلمرو مجازات سالب آزادی یکی از موضوعاتی است که مورد بحث نظام های کیفری قرار گرفته است. اعمال سیاست تحدید مجازات سالب آزادی نتایج مفیدی از جمله کاهش ازدحام زندانیان و پیشگیری از تکرار جرم را در بر دارد.

به همین دلیل کشورهای مختلف و همچنین قطعنامه های بین المللی در این خصوص تلاش هایی را انجام داده اند. در سیاست جنایی تقنینی ایران نیز (قبل و بعد از انقلاب اسلامی) به این نکته توجه شده است، لذا ضروری است که با توجه به اصول حاکم بر مجازاتها و قواعد بین المللی راهبردهای مشخصی در این خصوص تدوین گردد.

مقدمه

الف - بیان موضوع

امروزه با مشخص شدن معایب مجازات سالب آزادی و عدم موفقیت نظام زندانها در بازپروری اجتماعی بزهکاران، نظام های کیفری تحت تاثیر آموزه های

کیفرشناسی و آرای جرم شناسان بیش از پیش به محدود نمودن دامنه اعمال مجازات سالب آزادی گرایش پیدا کرده اند.

مجازات سالب آزادی به عنوان «آخرین حربه و آنگاه که تدابیر دیگری قابل اعمال نباشد» مورد توجه قرار می گیرد. در این زمینه ضمن تلاش در تقلیل صدور احکام محکومیت به زندان های کوتاه مدت گام های مهمی برای محدود کردن اجرا یا احتراز از اجرای مجازات سالب آزادی و توسعه سیاست جایگزینی در سطح جهانی، منطقه ای و ملی برداشته شد. این خود در ضمن بیانگر اهمیت سیاست تجدید مجازات سالب آزادی نیز می باشد. نظام های کیفری اهدافی را در اتخاذ سیاست تجدید مجازات سالب آزادی دنبال می کنند که در یک نگاه اجمالی در چند هدف مشخص اشتراک نظر دیده می شود. ضمن این که ممکن است براساس مصالح ملی و ارزش های اعتقادی یا اجتماعی اهداف خاص خود را نیز دنبال نمایند.

ب - اهداف تجدید مجازات سالب آزادی

کاهش جمعیت زندان ها و تقلیل هزینه های ناشی از اعمال مجازات سالب آزادی و کاهش تکرار جرم اهداف مهمی هستند که نظام های کیفری با تجدید مجازات سالب آزادی در پی تحقق آن هستند.

۱- کاهش جمعیت زندان ها

یکی از معضلات نظام های کیفری افزایش مستمر جمعیت زندان ها است. در ایتالیا جمعیت زندان ها از ۲۶۴۲۴ نفر در سال ۱۹۸۷ به ۵۰۱۹۷ نفر در سال ۱۹۹۳ رسید. ^۲ در انگلستان و ولز از ۴۳۹۳۶ زندانی در سال ۱۹۸۰ به ۵۰۰۷۳ نفر در سال ۱۹۸۷

۱- آنسل، ماری، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۵، ص ۹۵.

2-Ruggiero(V) Flexibility and Intermittent Emergency in the Italian Penal system, Western European penal system, London, 1995, P.47.

رسید.^۱ جمعیت در زندان ها نه تنها اداره سازمان زندان ها را با مشکل مواجه می کند، بلکه کنترل و نظارت و تامین نظم و امنیت در زندان را دشوار می سازد. بنابراین کاهش جمعیت زندان ها همواره مد نظر نظام های کیفری بوده است. انتظاری رود سیاست تحدید مجازات سالب آزادی و توسعه جایگزین های آن به کاهش جمعیت زندان ها منجر شود. به همین جهت قطعنامه شماره ۱۶ هفتمین کنگره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان سازمان ملل متحد به کاهش جمعیت زندان و بازسازی اجتماعی مجرمان اختصاص یافت. این قطعنامه به دولت های عضو پیشنهاد می کند «... باید تحقیق در مورد ضمانت اجرای غیر سالب آزادی معتبر را که به نیل به کاهش جمعیت زندان کمک کند افزایش دهند».^۲

۲- تقلیل هزینه های ناشی از اعمال مجازات سالب آزادی

با عنایت به باری که زندان ها از نظر اقتصادی بر عهده جامعه و خانواده زندانیان می گذارند، اجتناب از هزینه های ناشی از اعمال مجازات سالب آزادی حتی استفاده اقتصادی از محکومان در بسیاری از موارد اجتناب از مجازات سالب آزادی را توجیه می نماید.

«عموماً گفته می شود که ضمانت اجرای غیر سالب آزادی نسبت به اعمال مجازات سالب آزادی ارزان تر هستند... اگر ضمانت اجرای غیر سالب آزادی در حد عمده تری مورد استفاده قرار گیرند دولت قادر خواهد بود که اعمال ضمانت اجراها را به طور ارزان تر اداره نماید».^۳

۳- کاهش تکرار جرم

به همان نسبت که مجازات سالب آزادی با افزایش تکرار جرم همراه است کاهش

۱-گوردون، بارکلی، نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز، ترجمه نسرین مهرا، مجله تحقیقات حقوقی ش ۱۶-۱۷، تهران ۱۳۷۵، ص ۱۴۰۱.

2-Bishop (N) Non Custodial Alternatives in Europe HEUNI. no14, Helsinki, 1988,P.124.

3-Ibid ,P.13.

توسل به آن موجب کاهش تکرار جرم می‌گردد. همچنین اجرای تدابیر جایگزین مجازات سالب آزادی در محیط آزاد و در بطن اجتماع و با نظارت و کنترل دائمی مجرمان امکان سازگاری بهتر با جامعه را فراهم کرده از سقوط مجدد آنها جلوگیری می‌نماید. لذا قاعده ۱۰-۱ از مجموعه قواعد حداقل استاندارد ملل متحد برای تدابیر غیر سالب آزادی مقرر می‌دارد: «برای کاهش تکرار جرم و بازسازی اجتماعی مجرم که تمایل به بازگشت به جرم را تقلیل دهد. نظارت (در اجرای تدابیر غیر سالب آزادی) صورت می‌گیرد». آبا عنایت به این اهداف اقدامات مهمی در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی برای کاهش توسل به زندان و توسعه جایگزین‌های مجازات سالب آزادی صورت گرفت که ابتدا به بیان مساعی جهانی در این زمینه پرداخته و سپس سیاست‌هایی تقنینی ایران را در این خصوص بررسی می‌کنیم.

گفتار اول - مساعی جهانی برای تحدید مجازات سالب آزادی و توسعه جایگزینی‌ها برای آن

عمده‌ترین تلاش‌ها در این زمینه توسط سازمان ملل متحد و در سطح منطقه‌ای اروپا صورت گرفته که با تصویب قطعنامه و توصیه‌نامه‌هایی قانون‌گذاران کشورهای عضو را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

الف - اقدامات سازمان ملل متحد

مساعی بین‌المللی برای توسعه سیاست جایگزینی مجازات سالب آزادی بیشتر

۱- در آلمان تعداد کسانی که در سال ۱۹۸۴ مجدداً به زندان محکوم شدند ۱۳۸۵۵ نفر بود که در سال ۱۹۹۳ این تعداد به ۱۹۲۱۸ نفر رسید:

Messner (C) and Ruggiero (V) Germany. The penal system between pastan western European penal system, London, 1995, P.135.

۲- درباره چگونگی تصویب این قواعد ر.ک به گفتار اول همین مقاله.

از طریق انجمن های بین المللی و بالاخص سازمان ملل متحد^۱ بابرگزاری کنگره های متعددی صورت گرفته که ضمن بیان زبان های مجازات سالب آزادی با ارائه پیشنهادهایی برای کاهش اقدامات منجر به سلب آزادی کاهش آثار سوء زندان به معرفی جایگزین های مجازات سالب آزادی منجر شد. اندکی پس از تشکیل سازمان ملل متحد، در نخستین کنگره پنج سالانه سازمان ملل متحد مجموعه قواعد حداقل ملل متحد درباره طرز رفتار (اصلاحی) با زندانیان در سال ۱۹۵۵ در ژنو به اتفاق آراء به تصویب رسید و متعاقباً در ۳۱ ژوئیه ۱۹۷۵ مورد تصویب شورای اقتصادی، اجتماعی نیز قرار گرفت.^۲ جانشین های حبس در سطح سازمان ملل متحد نیز ابتدا در قطعنامه شماره ۸ کنگره ششم (۱۹۸۰) مورد توجه قرار گرفت. سپس در قطعنامه شماره ۱۶ کنگره هفتم (۱۹۸۵) تقلیل تعداد زندانیان، راه حل های جایگزین و بازسازی اجتماعی بزهکاران مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت. در اجلاس تدارکاتی بین منطقه ای کنگره هشتم که در توکیو برگزار شد متن قواعد حداقل ملل متحد در باره تهیه و تنظیم اقدامات غیر سالب آزادی مورد بررسی و تصویب قرار گرفت و به همین لحاظ به قواعد توکیو شهرت یافت. این قواعد^۳ پس از تصویب در کنگره هشتم در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز رسید و اجرای آن به دولت های عضو توصیه گردید.

قواعد بیجینگ درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری صغار که در کنگره هفتم (۱۹۸۵) پذیرفته شد و قواعد ملل متحد راجع به حمایت از صغار محروم شده از آزادی که در کنگره هشتم از تصویب گذشت و مورد تصویب مجمع عمومی نیز قرار گرفتند در

۱- موضوع ندابیر جایگزین برای کیفر سالب آزادی و اجتناب از توسل به زندان حتی در قدیمی ترین کنگره بین المللی موسوم به کنگره بین المللی پیشگیری و سرکوبی که در سال ۱۸۷۲ در لندن تشکیل شد و تا قبل از ادغام کمیسیون قدیمی کیفری و امور زندانها در سازمان ملل متحد در آخرین کنگره ای که در سال ۱۹۵۰ برگزار گردید مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۲- در خصوص متن این قواعد ر.ک. به:

Standard minimum, Rules for the treatment of prisoners, United nations Department of public Infotmation, New York, 1984.

۳- در خصوص متن این قاعده ر.ک. به:

A/RES/45/110.61 th plentary Meting 14 December, 1990.

مورد صفار تأکید به توسل حداقل به محیط بسته (زندان) داشته و سلب آزادی از صفار متهم یا بزهکار را به عنوان آخرین راه حل توصیه می نمایند.
در کنگره نهم (۱۹۹۵) نیز در قطعنامه «صفار به عنوان مباشران و قربانیان جرایم و ...» بر پیشبرد اقدام های جایگزین کیفر سالب آزادی ... تأکید شده است.^۱

ب - اقدامات شورای اروپا

به موازات مساعی جهانی برای توسعه سیاست جایگزینی در قلمرو مجازات سالب آزادی تلاش هایی نیز در سطح منطقه ای و عمدتاً در سطح اروپا و توسط شورای اروپا در قالب کمیته اروپایی به ویژه مسائل جنایی در این زمینه صورت گرفت. آپس از تشکیل کمپ اروپایی ویژه مسائل جنایی در سال ۱۹۶۵ کمیته فرعی موقت (که در سال ۱۹۶۱ براساس پیشنهاد شماره ۱۹۵ مجمع مشورتی شورای اروپا ایجاد گردید) نیز مامور بررسی جایگزین های زندان شد. در اولین قطعنامه شماره ۱-۶۵ دولت های عضو به تضمین این امر فراخوانده شدند: «قانونگذاران کشورهای عضو باید به قضات یا مراجع ذی ربط اختیار جایگزینی در مورد مجازات متضمن محرومیت از آزادی با اختیار جایگزینی تدابیر مشروط (مجازات معلق، حکم پرویشن یا تدابیر مشابه) قبل از اجرای چنین مجازاتی را در مواردی که فردی نخستین بار مرتکب جرم شده یا کسی که مرتکب جرم شدید خاصی نشده است را اعطا کنند». اولین اقدام برای طرح قواعد حداقل برای اعمال تدابیر غیر سالب آزادی قطعنامه شماره ۱-۷۰ کمیته وزرای خارجه شورای اروپا مورد «سازمان اجرایی تدابیر نظارت و مراقبت بعد از خروج، مجازات مشروط و مجرمان به صورت مشروط آزاد» و گزارش مربوط به آن است که به دولت های عضو توصیه نمود: «امکان به تعویق انداختن یا کاهش محدودیت های برای اجرای تدابیر

۱-ر.ک. دکتر علی حسین نجفی، سیاست جنایی سازمان ملل متحد و مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۸، سال

۱۳۷۵، ص ۳۳۲ الی ۳۴۹.

۲-در این قسمت ر.ک. به:

مشروط «مربوط به گروه مجرومان یا جرایم» که مانع فردی کردن مجازات است را بررسی کند».

در سال ۱۹۸۵ دومین کنفرانس مدیران سازمان زندانها «جایگزین زندان را در کشورهای عضو شورای اروپا مورد بررسی قرار دادند و در طی آن وضعیت جایگزین های جدید و جایگزین های سنتی در این کشورها و تاثیر آنها در پیشگیری از تکرار جرم مورد بحث قرار گرفت». در ژوئن ۱۹۸۶ نیز کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی تصمیم به تنظیم قواعد حداقل رفتار (اصلاحی) غیر سالب آزادی را اتخاذ نمود و بالاخره در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۲ «قواعد اروپایی درباره ضمانت اجرا و اقدامات اجتماعی» تدوین و دول عضو به اتخاذ و اجرای سیاست جایگزینی در قبال کیفر سالب آزادی ترغیب شده اند.^۱ در نهایت لازم است گفته شود که مهم ترین مرحله توسعه سیاست جایگزینی مجازات سالب آزادی تجلی آن در سیاست جنایی تقنینی کشورهاست. تلاش های بین المللی و منطقه ای که به صورت قطعنامه ها و توصیه نامه ها به کشورهای عضو ارائه می شود زمانی مثمر ثمر واقع می شود که قانون گذار های ملی با پیروی از آن در نظام کیفری متبوع خود ایجاد تحول نموده و با رعایت قطعنامه ها و توصیه نامه ها در قانون گذاری کیفری در جهت توسعه تدابیر جایگزین مجازات سالب آزادی گام بردارند. در همین رابطه قانون گذاری کیفری ۱۹۹۲ فرانسه^۲ و قانون ۱۹۹۱ راجع به عدالت کیفری انگلستان^۳ را می توان نمونه هایی قابل توجه دانست که در جهت توسعه سیاست جایگزینی مجازات سالب آزادی گام های جدیدی را برداشته اند.

۱- در این باره رک. به :

Robert (Jean), An Innovative Instrument: the European Rules on community Sanctions and Measures, In penological Information Bulletin, Council of Europe, no. 19 and 20. 1994-1995, pp. 5-7.

۲- در این باره رک. رضا فرج اللهی و بررسی تحولات حقوق جزای فرانسه در قانون اخیر، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۱۸-۱۷، سال ۱۳۷۵.

۳- در این باره رک. گوردون، بارکلی، نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز، ترجمه نسرین مهرا، مجله تحقیقات حقوقی ش ۱۶-۱۷، سال ۱۳۷۵، ص ۳۸۱ الی ۳۹۰.

گفتار دوم - تحدید مجازات سالب آزادی در سیاست جنایی تقنینی ایران

نظام کیفری ایران نیز در مسیر تحولاتش از تاثیر تلاش‌ها و اقدامات مربوط به تحدید مجازات سالب آزادی به دور نبوده است. در دوره‌های مختلف تقنینی ضمن حفظ مجازات سالب آزادی برای موارد لزوم، به منظور اجتناب از معایب و آثار ناگوار زندان تدابیری پیش‌بینی شده است.

هر چند آموزه‌های کیفرشناسی و جرم‌شناسی و اقدامات بین‌المللی در این مورد بی‌تاثیر نبوده است لکن ملاحظات اجتماعی و اعتقادی و در پاره‌ای موارد انگیزه‌های اقتصادی نیز نقش موثری را ایفا نموده‌اند. نظریه این‌که سیاست تحدید مجازات سالب آزادی هم قبل از انقلاب اسلامی مورد توجه بوده است و هم پس از انقلاب اسلامی با درنگی کوتاه ادامه پیدا کرد در این گفتار این تحولات را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف - تحدید مجازات سالب آزادی قبل از انقلاب اسلامی

۱- تحدید مجازات سالب آزادی در مرحله اجرا

تا قبل از انقلاب اسلامی اقداماتی برای محدود نمودن قلمرو مجازات سالب آزادی در مرحله اجرا، مثل امکان کارکردن زندانی در خارج از محیط زندان به موجب ماده ۵۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ یا ماده ۱۱۹ آیین‌نامه زندان‌ها مصوب ۱۳۴۷ پیش‌بینی شده بود. به علاوه هر چند در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ راجع به آزادی مشروط زندانیان مقرراتی پیش‌بینی نشده بود لکن این نهاد را قانون‌گذار طی ماده واحده‌ای در سال ۱۳۳۷ وارد نظام کیفری ایران نمود.

به موجب این قانون در جرایم جنایی و جنحه‌ای کسی که برای بار اول به حبس محکوم می‌شود در جنحه پس از تحمل نصف مدت مجازات (که کمتر از سه ماه نباشد) و در جنایت پس از تحمل دوثلث و در حبس دائم پس از گذراندن ۱۲ سال امکان استفاده

از آزادی مشروط را داشت. مدت آن نیز براساس تبصره ۴ ماده واحده مذکور کمتر از یک سال و بیشتر از ۵ سال نبوده است مگر این که بقیه مدت کمتر از یک سال بود. این قانون هر چند مجرمانی را که بار اول محکوم می شدند از جنبه ارفاقی مشمول قانون آزادی مشروط نموده بود ولی از نظر درجه مجازات فرقی بین محکومان جرایم مختلف جنایی و جنبه ای قائل نشده بود و لذا میزان حبس در اعمال آن بی تاثیر بوده است و به عکس تعلیق مجازات که در مجازات های سنگین تر جنایی صورت نمی گیرد هر نوع مجازات حبس ممکن است به وسیله آزادی مشروط متوقف گردد.^۱

۲- تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی

تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی به شکل ساده نخستین بار در مواد ۴۸، ۴۹، ۵۰ و ۴۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ پیش بینی گردید. ولی به لحاظ عدم توجه به آثار آن و به لحاظ شمول آن به کلیه جرایم جنبه ای دادگاهها اختیارات به نسبت زیادی در استفاده از آن داشتند. به علاوه فاقد هرگونه دستورات مراقبتی و اصلاحی برای دوره تعلیق بود. در سال ۱۳۰۷ مواردی که در آن امکان تعلیق میسر بود احصا گردید و در نهایت مقررات کامل تر در سال ۱۳۴۶ به موجب قانون تعلیق اجرای مجازات پیش بینی گردید. در این قانون حدود و شرایط و اقدامات و دستوراتی که در زمان تعلیق باید رعایت شود و آثار آنها به طور دقیق مورد توجه قرار گرفت.

۳- تبدیل مجازات سالب آزادی

اندیشه تبدیل حبس به غرامت هرچند در ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ پایه ریزی شد لکن بدون ملاحظه سایر جوانب تنها در مورد حبس تادیبی در نظر گرفته شد زیرا مدت حبس تادیبی نامشخص بود و از حداقل ۱۱ روز تا سه سال را شامل می شد و به ترتیب اختیارات دادگاهها در این زمینه به نحوی گسترده افزایش می یافت

۱- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، سال ۱۳۷۱، ص ۳۰۴.

۲- ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴.

ضمن این که معیار مشخصی در تعیین میزان غرامت نیز پیش بینی نشده بود. هرچند بعدها با تصویب ماده واحده سال ۱۳۰۷ حبس های خلافی و کمتر از ۲ ماه قابل تبدیل به جزای نقدی شده و میزان آن نیز به اختلاف موارد تعیین و بدین ترتیب اختیارات دادگاه ها محدود و معین گردید.

با اصلاح قسمتی از مواد آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ در ماده ۴ تبدیل حبس به جزای نقدی در امور خلافی و حبس های کمتر از دو ماه اختیاری و میزان آن نیز به اختلاف موارد از قرار روزی ده تا پانصدریال تعیین گردید. بالاخره قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ نیز در ماده ۱۱ حبس های کمتر از ۶۱ روز را قابل تبدیل به جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال اعلام نمود که دادگاه ها پس از تعیین مجازات حبس متناسب با آن جزای نقدی را تعیین می کردند. این قانون هر چند میزان جزای نقدی را تعیین و مقدار آن را افزایش داد لکن مجدداً اختیار قضات را به تناسب مجازات حبس در تعیین مقدار آن ملاک قرار داد و از تعیین مقدار آن بر حسب روز عدول نمود. به علاوه در مواردی که حداکثر حبس بیش از ۶۱ روز و حداقل کمتر از آن بود دادگاه در تعیین حبس بیش از دو ماه یا جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال تا ۳۰۰۰۰ ریال مختار بود. این در حالی بود که حبس های بیش از ۶۱ روز در صورتی که حداقل آنها کمتر از ۶۱ روز نبود قابل تبدیل به جزای نقدی نبودند. به همین جهت برخی مولفان آن را فاقد توجیه منطقی دانسته اند.^۱ نتیجه اینکه تا قبل از انقلاب اسلامی سیاست جایگزینی مجازات سالب آزادی در قالب تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی همراه با دستورات اصلاحی و مراقبتی و تبدیل به جزای نقدی قرار داشت.

ب - تحدید مجازات سالب آزادی پس از انقلاب اسلامی

با دگرگونی وسیعی که پس از انقلاب اسلامی در مقررات کیفری ایجاد شد، مجازات سالب آزادی در طبقه بندی جدید از مجازاتها صرفنظر از موارد استثنایی^۲

۱- اردبیلی، محمدعلی، جایگزین های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، ش

۲- مانند ماده ۲۰۱ و ۲۱۰ ق. م. ا. سال ۱۳۷۰.

۱۱-۱۲، تهران، سال ۱۳۷۲، ص ۲۹۰.

اصولاً به عنوان مجازات تعزیری و در اختیار قاضی قرار گرفت. مع الوصف قانون گذار با عنایت به اصول قانون اساسی قلمرو مجازاتها و موارد عفو و تخفیف یا تعلیق و سپس امکان تبدیل آنها را پیش بینی نمود.

۱- تحدید مجازات سالب آزادی در مرحله اجرا

در قلمرو مجازات سالب آزادی در مرحله اجرا ابتدا به موجب ماده ۳۷ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ امکان اشتغال به کار زندانیان تحت شرایطی فراهم شد. با تصویب آیین نامه امور زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی امکان اعمال مجازات در زندان های باز^۱ و اشتغال در خارج از زندان نیز پیش بینی گردید. قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ آزادی مشروط زندانیان را به موجب ماده ۳۹ برای محکومان بار اول به حبس تعزیری پس از گذراندن نصف مدت حبس تحت شرایطی پیش بینی نمود. اگر چه در تنظیم مقررات راجع به آزادی مشروط قانون گذار سال ۱۳۶۱ از قانون آزادی مشروط سال ۱۳۳۷ تاثیر پذیرفته است لکن با محدود نمودن آن به حبس تعزیری از دامنه شمول مقررات آزادی مشروط کاسته است در حالی که قانون آزادی مشروط سال ۱۳۳۷ شامل حبس های جنایی و حتی حبس موبد نیز می گردد. بنابراین مقررات آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱ در جهت تشدید گام برداشته است. با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تغییراتی در نوع و مدت تحمل حبس و ترتیبیاتی که در مدت آزادی مشروط باید رعایت شود ایجاد گردید. بدین ترتیب که آزادی مشروط در حبس های تعزیری و غیر تعزیری قابل اعمال است و مدت لازم برای اعطای آن (به سیاق قانون آزادی مشروط سال ۱۳۳۷) تحمل نصف مدت در حبس های کمتر از سه سال و تحمل دو سوم آن در حبس های بیشتر از سه سال خواهد بود. هر چند هم اکنون قلمرو مقررات آزادی مشروط به همه انواع حبس گسترش دارد لکن در

۱- ماده ۲۷ آیین نامه امور زندانها و ... مصوبه ۱۳۶۱ و ماده ۷ آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و ... سال ۱۳۷۲.

۲- ماده ۳۴ آیین نامه امور زندانها و ... مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۱۳ آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و ... سال ۱۳۷۲.

حبس های بیشتر از سه سال نسبت به قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ دامنه آن محدودتر گردید. به علاوه قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ دادگاه را مقید می کند به تعیین شرایط و ترتیباتی که در مدت آزادی مشروط محکوم علیه باید رعایت نماید و از باب تمثیل مواردی را نیز در تبصره ۳ ماده ۳۸ بیان داشته است در حالی که چنین امری در قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ پیش بینی نشده بود. بیان این شرایط که بیشتر جنبه تأمین دارد، می تواند مکمل هدف اصلاحی و تقویت انگیزه مجرم در بازگشت مجدد به جامعه گردد، زیرا هشدار لازم را نیز به مجرم در اجرای بقیه محکومیت در صورت تخلف از شرایط تعیین شده یا ارتکاب مجدد جرم داده است. بالاخره قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تعیین مدت آزادی مشروط را بیشتر از ۵ سال و کمتر از یک سال اجازه نمی دهد حتی اگر باقی مانده حبس کمتر از یکسال باشد، بنابراین در محکومان به شش ماه حبس که با تحمل نصف مدت آن به صورت مشروط آزاد می گردند به جای سه ماه حداقل یک سال تحت شرایط آزادی مشروط قرار می گیرند و در صورت تخلف برای تحمل بقیه مدت به زندان مراجعت داده خواهند شد. باوصف مراتب هرچند با شمول مقررات آزادی مشروط به تمام انواع حبس ها در جهت نفع متهم گام برداشته شد لکن تعیین شرایط جدید برای دوره آزادی مشروط و شمول مدت حداقل یک سال حتی برای باقی مانده مدت کمتر از یک سال از نرمش زیاد در مقابل مجرمان اجتناب گردیده است.

۲- تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی

در خصوص تعلیق اجرای مجازات حبس نیز قانون گذار مجازات اسلامی ۱۳۶۱ عمدتاً از مقررات قانون تعلیق اجرای مجازات مصوب ۱۳۴۶ تبعیت نموده است با این تفاوت که این نهاد حقوقی دیگر به مجازات حبس اختصاص داده نشد بلکه کلیه محکومیت های تعزیری را شامل می شد.^۱ با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و با

۱- ماده ۴۰ قانون راجع به م. ا. مصوب ۱۳۶۱.

عنایت به ظهور مجازات‌بازدارنده^۱ در نظام کیفری کشور مجازات حبس نیز در مواردی به عنوان مجازات‌بازدارنده^۲ قابل استفاده گردید و در ماده ۲۵ این قانون کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده قابل تعلیق شناخته شد. اجتناب از زندان انگیزه اصلی سیاست جایگزینی از طریق تعلیق اجرای حبس میباشدلکن قانون‌گذار مجازات اسلامی دامنه این سیاست را به مجازات‌های دیگر نیز گسترش داده است که استفاده نامناسب آن همواره منشا انتقاد به نهاد حقوقی تعلیق مبنی بر انعطاف بیش از حد در مقابل مجرمان بوده است. نکته قابل توجه در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تعلیق اجرای قسمتی از مجازات پس از اجرای قسمتی از آن می باشد. این امر با فلسفه تعلیق اجرای مجازات که هشدار به محکومان بی سابقه و اجتناب از آثار سوء اجرای مجازات حبس است مفایرت دارد و این در حالی است که در خصوص مجازات حبس استفاده از نهاد آزادی مشروط می تواند وافی به مقصود باشد.^۳

۳- تبدیل مجازات سالب آزادی

از ابتکارات دیگر قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ امکان تبدیل مجازات تعزیری و بازدارنده به نوع دیگر مجازات است.^۴ بدین ترتیب دادرسان در مقام جایگزینی مجازات حبس با انواع گوناگونی از مجازات‌های تعزیری و بازدارنده از قبیل جزای نقدی شلاق، ممنوعیت‌های شغلی محرومیت‌های اجتماعی و ایجاد محدودیت‌های مختلف مواجه هستند. برخلاف قانون‌گذار راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ که با لغو مقررات تبدیل حبس جز تعلیق جایگزین دیگری برای حبس باقی نگذاشته بود

۱- قبلاً نیز ماده یک قانون تشکیل دادگاه‌های ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۸ مجازات‌های بازدارنده را پیش بینی نموده است. ۲- ماده ۱۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۰.

۳- چنانچه کمیسیون استفتانات شورای عالی قضایی سابق نیز در پاسخ به این سؤال که «قرار تعلیق مجازات تعزیری باید ضمن حکم محکومیت صادر شود یا مدتی پس از صدور حکم هم می توان اجراء بقیه مجازات را به موجب تصمیم جدید معلق نمود» در بهمن ماه سال ۱۳۶۲ چنین پاسخ داده است: «برابر تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا. صدور قرار تعلیق اجرای مجازات تعزیری ضمن حکم محکومیت امکان پذیر است. بعد از صدور حکم باید از آزادی مشروط موضوع ماده ۳۹ ق.م.ذکور به شرط اصول شرایط مندرج در ماده فوق استفاده شود» (پاسخ و سؤالات از کمیسیون استفتانات و مشاوران حقوقی شورای عالی قضایی، ج ۱۲، انتشارات روزنامه رسمی، ص ۴-ماده ۲۲ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۰). (۴۱)

قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۷۰ دست قضاات را به طور بی سابقه ای برای تبدیل حبس باز گذاشته است. قبل از آن نیز ابتدا بند اول تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ تبدیل حبس به جزای نقدی را احیا کرده بود. در این قانون به جای مجازات های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی و حبس های کمتر از ۹۱ روز تبدیل به جزای نقدی (از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال) اعلام گردید. از آنجا که این تدبیر از بعد اقتصادی هم از جهت کاهش جمعیت زندانی و در نتیجه کاهش هزینه زندان ها و هم از جهت کسب درآمد از طریق جزای نقدی آثار مثبتی دارد به همین جهت قانون گذار را بر آن داشت تا در قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ مجدداً مقررات بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه ... را تصویب و بر آن صحه گذارد. بدین ترتیب دیگر تنها مبارزه با آثار سوء زندان های کوتاه مدت انگیزه اصلی توسعه سیاست جایگزینی محسوب نمی شود زیرا صرف نظر از اختیار دادگاهها در تبدیل حبس های بیش از ۹۱ روز به جزای نقدی که حداقل آن کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن بیشتر از ۹۱ روز می باشد با اختیاراتی که ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و همچنین ماده ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای دادگاهها پیش بینی نموده است ملاحظات گوناگونی را می توان برای آن در نظر گرفت. اگر چه گفته می شود که «تبعیت قانونگذار در وضع این مقررات بیشتر از این نظر بوده است که در قلمرو تعزیرات قاضی در تعیین نوع و میزان مجازات به آنچه قانون است محصور نیست و می تواند حسب مورد تعزیرات مناسب دیگری تعیین کند». آمع الوصف لزوم رعایت اصول حقوقی در سیاست تقنینی و قضایی و اجرایی را بیش از پیش ایجاب می نماید. در سیاست جایگزینی رعایت تناسب مجازات با شرایط و اوضاع و احوال محکوم علیه نقش موثری در تضمین حقوق اساسی افراد خواهد داشت و با تعیین معیارهایی که هم متضمن اهداف جامعه در پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمان و تامین دفاع اجتماعی باشد و هم

۱- قسمت دوم بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه ... مصوب ۱۳۶۸.

۲- اردبیلی، محمدعلی، جایگزین های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۱-۱۲، تهران، سال ۱۳۷۲، ص ۳۰۵.

تضمین‌کننده حقوق اساسی افراد باشد می‌توان سیاست جایگزینی را در مجرای صحیحی هدایت نمود.

نتیجه :

عدم توفیق مجازات سالب آزادی در برآوردن اهداف نظام کیفری و لزوم کنترل و پیشگیری از بحران ناشی از آن نظام های کیفری را به تحدید قلمرو این مجازات سوق داده‌است. کاهش ازدحام زندانیان و پیشگیری از تکرار جرم و تقلیل هزینه های اجرای مجازات سالب آزادی عمده ترین اهداف سیاست تحدید مجازات سالب آزادی محسوب می‌شود. ضرورت این امر نه تنها در سطح ملی بلکه اقدامات جهانی را در سطوح منطقه ای و بین‌المللی نیز موجب شده است .

در این راستا قواعدی راهبردی برای کشورهای عضو به صورت قطعنامه تصویب گردید که مهم ترین آن « قواعد حداقل استاندارد ملل متحد راجع به تدابیر غیر سالب آزادی » می‌باشد. تلاشهای جهانی در این رابطه نقش موثری در قانون‌گذاری های ملی برای تحدید مجازات سالب آزادی داشته است . این تأثیر در قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ انگلستان و قانون کیفری ۱۹۹۲ فرانسه به وضوح مشاهده می‌شود. سیاست جنایی تقنینی ایران هم قبل و هم بعد از انقلاب اسلامی در جهت محدود ساختن مجازات سالب آزادی گام‌هایی را چه در مرحله اجرا (با آزادی مشروط زندانیان و کار زندانیان خارج از زندان) و چه در مرحله دادرسی (با تعلیق و تبدیل مجازات سالب آزادی) برداشته و تحولاتی را در دوره های مختلف تقنینی به خود دیده است . در قانون‌گذاری های اخیر ضمن ادامه سیاست تحدید مجازات سالب آزادی اختیارات دادگاه ها در مراحل دادرسی و اجرا برای تبدیل مجازات سالب آزادی به ویژه با ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و همچنین ماده ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱ به طوری سابقه ای گسترش یافته است . بنابر این تدوین یک راه کار مشخص را با رعایت اصول پذیرفته شده حاکم بر مجازات ها و با ملاحظه راه کارها و ابزارهای ارائه شده در قواعد بین‌المللی در این خصوص جهت استفاده به جا و مناسب‌تر از سیاست تعدیل، تبدیل و تعلیق مجازات سالب آزادی ایجاب می‌نماید.

قرار می‌گیرد.

رفتار انسانی هنگامی بعنوان "جرم" محسوب می‌شود که عناصر تشکیل دهنده آن تحقق یابد و برای آنکه رفتاری بعنوان جرم قابل مجازات باشد جمع آمدن عناصری چند ضرورت دارد. بعضی از این عناصر جنبه عمومی دارند یعنی وجود آنها در همه جرائم الزامی است و بعضی دارای جنبه خصوصی هستند.^۲ برخی از صاحب‌نظران حقوقی در این خصوص عقیده دارند: «برای آنکه عملی جرم محسوب شود لازمست که:

اولاً- از طرف قانون بعنوان جرم پیش‌بینی و مجازاتی برای آن مقرر شده باشد (عنصر قانونی)

ثانیاً- فعل یا ترک فعل بصورت و در شرایط خاص باشد. نه تصور و اراده‌ای که فعلیت پیدا نکرده است (عنصر مادی).

ثالثاً- با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی صورت گرفته باشد (عنصر روانی).^۳

برخی از حقوق‌دانان ایرانی، آلمانی و فرانسوی از جمله "گارو"^۴ عقیده دارند: برای جرم عنصر چهارمی به نام "عنصر غیر مشروع"^۵ ضروری است؛ با این استدلال که در بسیاری از موارد و از جمله "دفاع مشروع" با اینکه عناصر سه‌گانه جرم وجود دارد،

1-Crime

۲- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)، ج ۲، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۲۳؛ علی‌آبادی، عبدالحسین، ج ۱، چاپ اول، تهران، فردوسی، ۱۳۶۷، ص ۴۱؛ صدرات، علی، حقوق جزا و جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، کانون معرفت ۱۳۴۰، ص ۸۴-۸۵؛ دانشمندان (اعم از حقوق‌دانان، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و ...) برحسب تخصص خود جرم را به صورتهای مختلفی تعریف کرده‌اند. مکاتب مختلف حقوق جزا (اعم از عدالت مطلقه، کلاسیک، تحقیقی، دفاع اجتماعی ...) و قوانین جزایی کشورهای مختلف نیز سعی نموده‌اند تا جرم یا پدیده جنایی را تعریف نمایند. تعریفی که از همه جامع‌تر و مورد قبول اکثریت حقوق‌دانان قرار گرفته است، تعریف "گارارا" دانشمند ایتالیایی می‌باشد که او جرم را چنین تعریف نموده است: "نقض یکی از قوانین کشور بر اثر عمل خارجی شخص، که منضم ابقاء و وظیفه با اعمال حقی نبوده و قانون هم برای آن مجازات تعیین نموده باشد".

با توجه به مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و نظریه برخی از صاحب‌نظران حقوقی می‌توان تعریف جرم را از دیدگاه حقوقی بدین‌شرح بیان نموده: هر نوع رفتار ممنوعی که قوانین جزایی کشور برای آن مجازات و یا اقدامات تامینی یا تربیتی مقرر نموده باشد، جرم محسوب می‌شود.

۳- صائمی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ پنجم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۱۷۴-۱۷۳؛ ر.ک: محسنی، مرتضی، پیشین، جلد ۲، ص ۹۷-۹۸؛ صدرات، علی، پیشین، ص ۱۱۹-۱۱۸

تجزیه و تحلیل عنصر روانی جرم

دکتر نبی خداکرمی

"عنصر روانی" (سوء نیت) یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم است که در بین صاحب نظران حقوقی در دو معنای وسیع و محدود بکار می‌رود. عنصر روانی جرائم عمدی در معنای محدود شامل، جرائم اختیاری یا جرائمی که مجرم عامل مورد ملاحظه است و در جرائم غیر عمدی شامل جرائم اختیاری و سهل انگاری است، ولیکن عنصر روانی در معنای وسیع علاوه بر معنای محدود شامل مسئولیت کیفری نیز می‌باشد.

مقدمه

در این مقاله، این سوال مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد که مفهوم عنصر روانی جرم چیست و اجزای تشکیل دهنده آن کدامند؟
بمنظور پاسخ به سوال مذکور، ابتدا مفهوم عنصر روانی جرم از دیدگاه اندیشمندان و صاحب نظران حقوقی^۱ کشورهای ایران، مصر، آمریکا، تجزیه و تحلیل می‌شود سپس مفهوم، انواع و درجات سوء نیت و خطای کیفری مورد تحقیق و بررسی

قرار می‌گیرد.

رفتار انسانی هنگامی بعنوان "جرم"^۱ محسوب می‌شود که عناصر تشکیل دهنده آن تحقق یابد و برای آنکه رفتاری بعنوان جرم قابل مجازات باشد جمع آمدن عناصری چند ضرورت دارد. بعضی از این عناصر جنبه عمومی دارند یعنی وجود آنها در همه جرائم الزامی است و بعضی دارای جنبه خصوصی هستند.^۲ برخی از صاحب‌نظران حقوقی در این خصوص عقیده دارند: «برای آنکه عملی جرم محسوب شود لازمست که:

اولاً- از طرف قانون بعنوان جرم پیش‌بینی و مجازاتی برای آن مقرر شده باشد (عنصر قانونی)

ثانیاً- فعل یا ترک فعل بصورت و در شرایط خاص باشد. نه تصور و اراده‌ای که فعلیت پیدا نکرده است (عنصر مادی).

ثالثاً- با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی صورت گرفته باشد (عنصر روانی).»^۳

برخی از حقوق‌دانان ایرانی، آلمانی و فرانسوی از جمله "گارو"^۴ عقیده دارند: برای جرم عنصر چهارمی به نام "عنصر غیر مشروع"^۵ ضروری است؛ با این استدلال که در بسیاری از موارد و از جمله "دفاع مشروع" با اینکه عناصر سه‌گانه جرم وجود دارد،

1-Crime

۲- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)، ج ۲، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۲۳؛ علی‌آبادی، عبدالحسین، ج ۱، چاپ اول، تهران، فردوسی، ۱۳۶۷، ص ۴۱؛ صدرات، علی، حقوق جزا و جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، کانون معرفت، ۱۳۴۰، ص ۸۵-۸۴؛ دانشمندان (اعم از حقوق‌دانان، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و ...) برحسب تخصص خود جرم را به صورتهای مختلفی تعریف کرده‌اند. مکاتب مختلف حقوق جزا (اعم از عدالت مطلقه، کلاسیک، تحقیقی، دفاع اجتماعی ...) و قوانین جزایی کشورهای مختلف نیز سعی نموده‌اند تا جرم یا پدیده جنایی را تعریف نمایند. تعریفی که از همه جامع‌تر و مورد قبول اکثریت حقوق‌دانان قرار گرفته است، تعریف "کارارا" دانشمند ایتالیایی می‌باشد که او جرم را چنین تعریف نموده است: "نقض یکی از قوانین کشور بر اثر عمل خارجی شخص، که متضمن ایفاء وظیفه یا اعمال حقی نبوده و قانون هم برای آن مجازات تعیین نموده باشد".

با توجه به مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و نظریه برخی از صاحب‌نظران حقوقی می‌توان تعریف جرم را از دیدگاه حقوقی بدین شرح بیان نموده: هر نوع رفتار ممنوعی که قوانین جزایی کشور برای آن مجازات و یا اقدامات تأمینی یا تربیتی مقرر نموده باشد، جرم محسوب می‌شود.

۳- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ پنجم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۱۷۴-۱۷۳؛ رک: محسنی، مرتضی، پیشین، جلد ۲، ص ۹۸-۹۷؛ صدرات، علی، پیشین، ص ۱۱۹-۱۱۸